

## سنگ‌نوشته‌های کهن قرآنی در توران‌پشت، باز نمودی از فرهنگ تصوف

میشم صادقی توران‌پشتی<sup>۱</sup>

محمود کریمی<sup>۲</sup>

دریافت: ۱۳۹۶ / ۱ / ۲۷ پذیرش: ۱۳۹۶ / ۴ / ۲۵

### چکیده

توران‌پشت نام ناحیه‌ای است کهن که امروزه بر اساس تقسیمات کشوری از توابع شهرستان تفت استان یزد به شمار می‌رود. از جمله آثار تاریخی توران‌پشت باید سنگ‌نوشته‌هایی را نام برد که در کنار جاده مال‌رو، در نزدیکی روستای دره‌گازه قرار گرفته‌اند. با بازخوانی متن این سنگ‌نوشته‌ها آشکار گردید که قدمت کهن‌ترین آن‌ها به نیمه‌ی اول سده‌ی ۳ ق باز می‌گردد. بررسی خطوط این کتیبه‌ها نشان می‌دهد که در نمونه‌های قدیم‌تر ویژگی‌های خط کوفی با دقت بیشتری رعایت شده و رفته رفته با گذر زمان، ویژگی‌های این نوع خط کم‌رنگ‌تر دیده می‌شود. به غیر از آیات قرآنی مضامین دیگری همچون اسماء الهی و شعر فارسی نیز بر این کتیبه‌ها به چشم می‌خورد. در بخش‌هایی از این مقاله، درصدد پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که نگارندگان این سنگ‌نوشته‌ها با کدام طرز تلقی این نوشته‌ها را از خود به یادگار گذاشته‌اند؟ که با تحلیل مضامین به کار رفته در این سنگ‌نوشته‌ها، مشخص شد این مضامین نزد متصوفه از اهمیت زیادی برخوردار بوده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** توران‌پشت، کتیبه‌های قرآنی، خط کوفی، تصوف، شعر فارسی.

---

۱. نویسنده مسئول: گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام

صادق(ع)، تهران، ایران (sadeghi.mehr70@gmail.com)

۲. گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

#### مقدمه

توران‌پشت به عنوان یکی از کهن‌ترین مناطق استان یزد نمونه‌های جالبی از سنگ‌نوشته‌های قرآنی مربوط به قرون متقدم هجری را در خود جای داده است. کنده‌کاری بر روی سنگ‌ها و صخره‌ها یکی از روش‌های دیرینه‌ای است که انسان برای بیان افکار، اندیشه‌ها، هنر و قدرت نمایی‌های خود به کار برده است. همچنین انسان‌ها و سوسه‌ای دیرینه برای گذاشتن یادگاری داشته‌اند و پیام «فلانی اینجا بود» از جمله پیام‌هایی است که انسان‌ها هزاران سال پیش آن را نقاشی و حکاکی کرده‌اند.

کتیبه‌نویسی در اصطلاح خوشنویسی از نخستین سده‌های دوره‌ی اسلامی رایج شد. خط کتیبه‌های ایران در دوران اسلامی، اکثراً عربی است. البته تا قرن چهارم و اوایل قرن پنجم در کتیبه‌های اسلامی خط و زبان پهلوی نیز در کنار الفبای عربی به کار می‌رفته است. در جهان اسلام حفظ و نگهداری آیات قرآن کریم انگیزه اصلی در گسترش خط عربی بوده است و به همین علت در همان قرن اول هجری خط در زندگی مردم نواحی تحت تسلط اسلام اهمیت بیشتری یافت.

در اوایل دوره اسلامی دو نوع شیوه نوشتاری، یکی «واضح و زاویه دار» و دیگری «گرد و شکسته» در خط عربی پدید آمد. خط زاویه‌دار که شکل هندسی و رسمی است به دلیل جایگاه گسترش و رشدش در شهر کوفه «کوفی» نام نهاده شد و برای ثبت در بناهای اسلامی و تاریخی بیشتر مورد استفاده قرار گرفت. حتی ثبت قرآن‌های قدیم با خط کوفی انجام پذیرفت. خط دیگر «نسخ» نامیده شد که بعدها هم برای ثبت قرآن و هم برای ثبت اسناد و مدارک دولتی مورد استفاده قرار گرفت. انواع دیگر خط مانند کوفی بنایی، کوفی تزئینی، تعلیق، ثلث، نستعلیق، نستعلیق شکسته و غیره بعدها به وجود آمد که برخی در کتیبه‌های بناهای ایران در دوران اسلامی به کار رفته است. از قرن ۶ هجری، کتیبه‌نگاری به زبان فارسی، به خصوص جهت نگارش متون ادبی و منظوم، رایج‌تر و خطوط منحنی جایگزین خطوط زاویه‌دار شد.

در مورد محتوای کتیبه‌ها در دوران اسلامی باید گفت که علاوه بر اطلاعات تاریخی، مطالب دیگری همچون آیات قرآن کریم، احادیث، اشعار عربی و فارسی، جمل دعایی، صلوات بر رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار، عبارات پرهیزکارانه، اسماء الحسنی و همچنین اسامی افراد محترم از اصلی‌ترین مضامین بوده است (بلر، ۱۳۹۵، ۶۱-۵۶).

بی‌تردید سنگ‌نوشته‌های قرآنی یکی از منابع مهم در مطالعه‌ی تاریخ تحول خط عربی به شمار می‌رود. همچنین با کمک سنگ‌نوشته‌ها می‌توان ویژگی‌های فرهنگی بوم‌های گوناگون را تشخیص داد.

در این پژوهش نمونه‌هایی کهن از خطوط قرآنی و کتیبه‌های اسلامی در توران‌پشت معرفی می‌شوند که پیش از این شناخته نبوده و از این پس می‌تواند پیش روی محققان در عرصه‌های گوناگون قرار گیرند. دیگر آنکه این مقاله با گام نهادن در تحلیل مضامین سنگ‌نوشته‌های توران‌پشت، کوششی در جهت پی‌بردن به اندیشه‌ی نگارندگان آنها داشته است. در سامان دادن این نوشتار از هر دو روش کتابخانه‌ای و میدانی به منظور گردآوری اطلاعات استفاده شده و بر اساس آنها به تحلیل اطلاعات اقدام شده است.

پیش از بحث در باره‌ی این کتیبه‌ها، لازم است قدری با موقعیت جغرافی منطقه‌ای که آنها را در خود جای داده‌است آشنا شویم؛ همچنان که لازم است از جایگاه این کتیبه‌ها در آن منطقه جغرافیایی نیز آگاهی بیش‌تری حاصل کنیم.

#### **الف) موقعیت تاریخی و جغرافیایی توران‌پشت**

توران‌پشت در ۸۰ کیلومتری شهر یزد به سمت شیراز قرار دارد و امروزه بر اساس تقسیمات کشوری از توابع شهرستان تفت محسوب می‌شود. از نظر مختصات جغرافیایی، توران‌پشت در طول جغرافیایی ۵۳°۵۲ و عرض ۳۱°۳۱ قرار دارد. ۲۳۴۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و موقعیت طبیعی آن پایکوهی با آب و هوای معتدل و خشک است (فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان یزد، ۵۰/۲). در میان متون تاریخی، گزارش درخور اعتنایی که حتی بخشی از گذشته‌ی توران‌پشت را به طور شفاف بازنمایی کند، به چشم نمی‌خورد و از گذشته‌ی این دیار چیزی جز گزارش‌های پراکنده، گفته‌های شفاهی و یافته‌های باستان‌شناسی از قبیل کتیبه‌ها خبری نمی‌دهد. قدیم‌ترین ذکری که از نام توران‌پشت (توربشت) در منابع آمده، گزارشی است که شمس‌الدین محمد ذهبی در سیر اعلام النبلاء در توضیح پیرامون شخصیت امام ابوحنفص نسفی ذکر می‌کند و در آنجا از فردی به نام «محمد بن ابراهیم التوربشتی» نام می‌برد که از ابوحنفص نسفی نقل حدیث داشته است (ذهبی، ۱۴۲۷ق، ۱۴/۴۹۴). با توجه به سال فوت نسفی در سال ۵۳۷ق در سمرقند، احتمالاً این نقل روایت در اواخر قرن پنجم و یا اوایل قرن ششم بوده است.

اکثر کتاب‌هایی که به تاریخ یزد پرداخته‌اند، بانی توران‌پشت را توران دخت ساسانی می‌دانند (کاتب یزدی، ۱۳۵۷، ۱۶؛ مستوفی بافقی، ۱۳۴۲، ۱۱/۳۰) به نظر می‌رسد قائلین به این سخن بیش از هر چیز، از مناسبت لفظی متأثر بوده باشند. آیتی نسبت دادن بنای توران‌پشت به توران دخت ساسانی را نمی‌پذیرد و بانی توران‌پشت را نامعلوم می‌داند اما با این حال توران‌پشت را از زمره آبادی‌های یزد می‌داند که در بنای آن پیش از اسلام جای هیچ‌شکی وجود ندارد (آیتی، ۱۳۱۷، ۱/۳۹، ۵۷). در سیاحت نامه هیئت نصب تلگراف به سال ۱۸۷۹ میلادی بیان شده که توران‌پشت در ایام قدیم یک شهر بوده است (افشار، بی‌تا، «سفرنامه تلگرافی فرنگی»، ۱۹/۱۹۸). مؤلف منتخب التواریخ و شبانکاره‌ای بر اساس شنیده‌های خود از قدما و اهالی یزد، تأسیس دودمان اتابکان یزد را در توران‌پشت و توسط فردی به نام عطا/جکونیک<sup>۳</sup> نقل کرده‌اند (شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳، ۲/۲۱۱؛ نطنزی، ۱۳۸۳، ۳۵) البته از دیدگاه آل داود منابع این دوره در ترتیب حکومت اتابکان، نام آنان و سنوات حکومتشان همداستان نیستند و گفته‌های نطنزی و شبانکاره‌ای در این باره در خور اعتنا و اعتبار نیست (آل داوود، ۱۳۹۴، «اتابکان یزد»، ۶/۵۰۹-۵۰۱).

بر اساس مطالبی که در جامع‌الخیرات به مناسبت موقوفاتی که سید رکن‌الدین<sup>۴</sup> در توران‌پشت و نواحی اطراف آن داشته آمده است، دره گازه (درازه) و مناطق دیگری به نام‌های بیشه (بیشوک)، خوره‌اعلی (حفره بالا)، خوره‌سفلی (حفره‌زیر)، دردشت و بوره (بورق) از مزارع توران‌پشت محسوب می‌شده‌اند (جامع‌الخیرات، ۱۳۴۱، ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۹۴). بنابر اطلاعات وقفنامه ربع رشیدی، ناحیه‌ای به نام دهشیر در گذشته از ده‌های توران‌پشت محسوب می‌شده است (همدانی، ۱۳۵۶، ۸۲). همچنین بر اساس مطالب کتاب سیمای تفت مزرعه‌ای به نام باز به توران‌پشت تعلق دارد (دهقانیان نصرآبادی، ۱۳۸۷، ۲/۶۳۲). این تعداد مزرعه که برخی از آنها فاصله‌ی قابل

۳. نام این فرد در منتخب التواریخ نطنزی جکونیک و در مجمع‌الانساب شبانکاره‌ای عطا ذکر شده است.

۴. رکن‌الدین، یکی از رجال بسیار مشهور و قاضی یزد در اواخر دوره ایلخانان بود. پسرش شمس‌الدین محمد از رجال برجسته دوره ابوسعید بهادرخان و عهده‌دار سمت قاضی القضاات ممالک ایلخانی بوده است. شجره نسب این دو که از سادات عریضی هستند، در کتاب‌های الفصول الفخریه و عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب تألیف جمال‌الدین احمد بن عنبه آمده است (میرحسینی، ۱۳۸۴، ۱۶۳-۱۸۳).

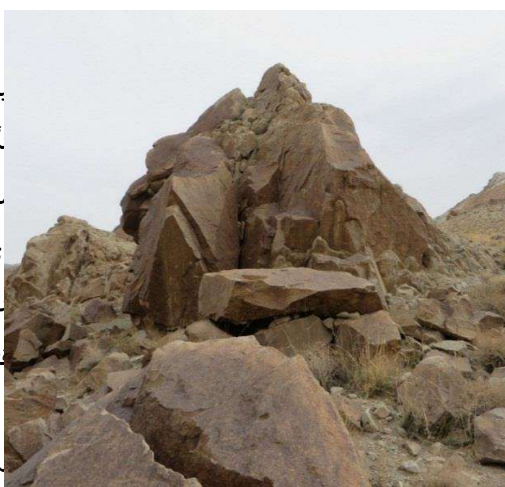
توجهی از یکدیگر دارند وسعت و آبادانی توران‌پشت را در گذشته نشان می‌دهد. به عنوان نمونه دهشیر در ۱۶ کیلومتری جنوب و بورق در ۱۶ کیلومتری غرب توران‌پشت قرار دارد. از آثار تاریخی پر شمار توران‌پشت می‌توان بقعه‌های چهارگانه‌ی شیخ جنید، چهل‌دختران، پیر مراد و سید گل سرخ، و قبرستانی که قدمت آن به قرن پنجم هجری باز می‌گردد را برشمرد.<sup>۵</sup> مرمر یزدی که در گذشته نه چندان دور در سراسر ایران معروف بوده از معدنی در توران‌پشت استخراج می‌شده است (افشار، بی‌تا، یادگارهای یزد، ۱/ ۶۷۷). به نحوی که سومین سنگ مزار حضرت رضا(ع)<sup>۶</sup> از مرمر توران‌پشت بوده است (عالم زاده، ۱۳۸۷، ۵۵). از عالمان بیشتر شناخته شده این دیار می‌توان شیخ شهاب‌الدین فضل‌الله بن حسن توران‌پشتی، صاحب کتاب‌هایی چون المی سر فی شرح مصابیح السنه، تحفة السالکین و المناسک را نام برد (کریمیان، ۱۳۸۳، ۴۶۴/۸). وی که در دستگاه اتابکان فارس حضور داشته، کتابی به نام المعتمد فی المعتمد<sup>۷</sup> می‌نویسد و آن را به ابوبکر سعد از فرمانروایان این سلسله تقدیم می‌کند (آل داوود، ۱۳۹۴، ۹/۹۶).

- 
۵. از چهار گنبد باقی مانده تنها در بالای محراب گنبد شیخ جنید کتیبه‌ای آجری به خط کوفی موجود بوده که به علت عدم اطمینان از بقای آن در محل اصلی در سال ۱۳۱۵ شمسی به موزه ایران باستان منتقل گردیده است، با توجه به این کتیبه و سایر مدارک تاریخی از جمله لوح گالری فریر واشنگتن می‌توان به این مطلب پی برد که فردی به نام جنید بن عمار بن علاء که در سال ۵۴۳ حاکم توران‌پشت بوده، این بقعه را بنا نهاده است (قوجانی، ۱۳۸۳، ۳۱).
۶. بر سطح سنگ القاب امام علی بن موسی الرضا (ع)، تاریخ ولادت و شهادت آن بزرگوار و دو بیت از اشعاری که حضرت به قصیده دعبل خزاعی ملحق فرموده حک شده است. علاوه بر این آیاتی از **قرآن** کریم نیز زینت بخش اطراف سنگ شده است. این سنگ همزمان با نصب ضریح پنجم در سال ۱۳۷۹ خورشیدی، در حرم مطهر بر فراز مرقد منور امام(ع) نصب شده و اکنون در زیر ضریح مقدس جای دارد (عالم زاده، ۱۳۸۷، ۵۶).
۷. از این جهت که تورانپشتی کتاب **المعتمد فی المعتمد** را به خواش ابوبکر سعد نوشته این کتاب به تحفه‌ی مظفری و تحفه سلغری نیز معروف است. سعدی شیرازی نیز کتاب گلستان را برای ابوبکر سعد تألیف کرده است (تورانپشتی، ۲۰۱۰م، **المعتمد فی المعتمد**، ۸۷).

### ب) موقعیت پیدایی و نحوه قرارگیری سنگ‌نوشته‌های توران پشت

محل پیدایی سنگ‌نوشته‌های توران پشت، کوه‌های کم ارتفاعی است که بر کنار مسیر مالرو، در نزدیکی ناحیه دره‌گازه جای گرفته‌اند. با مشاهده کوه‌هایی که این سنگ‌نوشته‌ها بر آن‌ها کتابت شده و همچنین از نحوه قرار گرفتن سنگ‌نوشته‌ها، دانسته می‌شود که این کوه‌ها به مرور زمان دچار فروریختگی و فرسایش شده‌اند و چه بسا این اتفاق موجب از بین رفتن کتیبه‌هایی شده باشد.

همچنین احتمال دارد به بل جدا شدن و غلطیدن سنگ‌نوشته‌ای از دامنه کوه، آن مت که نوشته‌ایی را بر خود می‌داده، بر سطح زمین واقع شده باشد که در این صورت امکان متن و بازخوانی متن سنگ‌نوشته امکانات محدود از بین می‌رود. تصویر ۱ به روشنی این واقعیت را



تصویر ۱ نشان می‌دهد.

این کوه‌ها در کنار جاده مالرو، که حتی در گذشته‌ای نه چندان دور راه خروجی توران پشت به سمت یزد و اصفهان بوده قرار گرفته‌اند، جاده‌ای که تا قبل از احداث جاده‌ی آسفالتی مورد استفاده بوده است و به احتمال بسیار زیاد در زمان کتابت این سنگ‌نوشته‌ها این مسیر مالرو وجود داشته است. آثاری همچون سنگ‌چین‌های تاریخی در امتداد این مسیر، دلیلی بر قدمت این راه است. با توجه به آنچه گفته شد باید بر آن بود که این سنگ‌نوشته‌ها به عنوان یادگاری در کناره راه نگاشته شده‌اند. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که در کنار این سنگ‌نوشته‌ها، سنگ‌نگاره‌هایی نیز وجود دارد که در بیشتر موارد نگاره بز کوهی کنده‌کاری شده‌است. جای این پرسش باقی است که آیا زمان حجاری این نگاره‌ها همان زمان کتابت سنگ‌نوشته‌هاست یا به

دوره‌های بعد یا قبل از آن مربوط می‌شوند؟ پاسخ دقیق به این پرسش باید با روش تجربی از جمله استفاده از روش کربن ۱۴ صورت گیرد.

## ۲. انواع سنگ‌نوشته‌های توران‌پشت

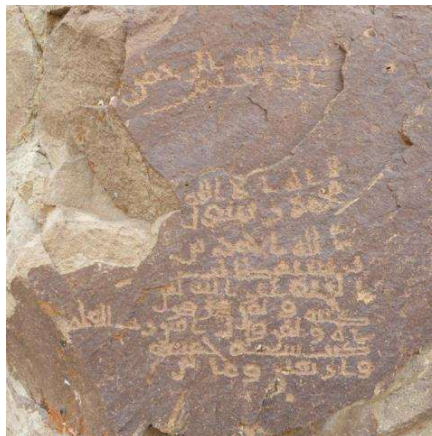
آن تعداد سنگ‌نوشته‌ای که پس از جستجوی دقیق محل در این ناحیه یافت شد جمعاً به ۱۶ عدد می‌رسد. البته هنوز این احتمال وجود دارد که اگر کاوش با ابزار پیشرفته‌تری صورت گیرد، سنگ‌نوشته‌های بیشتری در این ناحیه یافت شود. ۸ مورد از این سنگ‌نوشته‌ها تکه‌های کوچک و شکسته‌ای است که از کتیبه‌های بزرگتر برجای مانده‌اند و تنها چند کلمه از آنها قابل تشخیص است. متن ۱ مورد به‌تمامه بر جاست اما به دلیل فرسایش شدید تشخیص عبارات آن با سختی روبه‌رو است. از میان این ۱۶ سنگ‌نوشته تنها عبارات ۷ مورد با شفافیت بیشتری قابل تشخیص است که در این مقاله ۵ مورد از آنها در ذیل عنوان «سنگ‌نوشته‌های قرآنی» و ۲ مورد ذیل عنوان «سنگ‌نوشته‌های فارسی» مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

### الف) سنگ‌نوشته‌های قرآنی

از بین تمامی کتیبه‌های مؤرخه که تا کنون در توران‌پشت یافت شده است، کتیبه شماره ۱ قدیم‌ترین تاریخ را نشان می‌دهد. تاریخ کتابت این سنگ‌نوشته سال ۲۴۵ قمری است. با توجه به تاریخ حک شده بر روی این سنگ‌نوشته می‌توان ادعا کرد که این کتیبه از قدیم‌ترین سنگ‌نوشته‌های دوران پس از اسلام در ایران باشد. قدیم‌ترین کتیبه‌هایی که در ایران به دست آمده‌اند قطعاتی از کتان هستند. مرکز تولید آنها را مرو و شاپور که پیشتر بیشابور نام داشت ذکر کرده‌اند. کتیبه‌ی این پارچه‌ها تاریخی میان ۲۹۳ تا ۳۰۷ هجری قمری دارند (ویت، ۱۳۸۷، ۲۰۴۲).

این کتیبه با خط کوفی نگاشته شده است و از شیوه نگارش آن پیداست که کاتب آن به رسم الخط قرآنی توجه داشته است؛ چرا که واژه‌هایی همچون «الرحمان» و «العالمین» را همانند رسم مصحف شریف با حذف الف، به صورت «الرحمن» و «العلمین» نگاشته است.

بسم الله الرحمن  
الرحيم  
لا اله الا الله  
محمد الرسول  
الله احمد بن  
رستم طالب  
الجنة غفر الله لمن  
كتبه و لمن [...] قر  
أه و لمن قال آمي ن رب العلمی ن  
كتب سنه خمسہ  
و اربعين و مأتين



تصویر ۲ / کتیبه ۱

رفتار کاتب به هنگام نگارش عبارت «قرأه» نیز در این کتیبه جالب توجه می‌نماید؛ چرا که حروف «قر» از این عبارت را در سطر هشتم و حروف «أه» در سطر نهم نگاشته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود این کتیبه فاقد هر گونه نقطه‌گذاری است. محتوای کتیبه بیانگر آن است که کاتب این سنگ‌نوشته، از خداوند متعال برای سه کس طلب مغفرت کرده است: برای کسی که این کتیبه را نوشته، برای کسی که این کتیبه را می‌خواند و برای کسی که می‌گوید آمین رب العالمین. این متن آشکارا مسلمان بودن نگارنده آن را نشان می‌دهد اما پدر نگارنده‌ی این کتیبه بر خود نام «رستم» داشته است که بر این اساس احتمال زرتشتی بودن او وجود دارد.

بسم الله ال[رحمن]  
الرحيم  
يوم لاينفع مال و لا بنون  
الا من اتى الله بقلب سليم  
و كتب على بن احمد بن على  
لسنه اربعين و



۸. در این قسمت از کتیبه خط خوردگی وجود دارد.

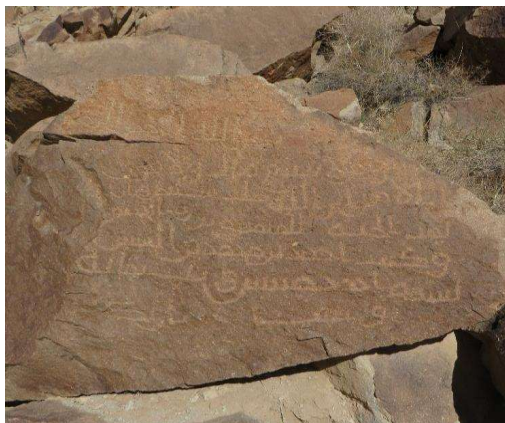


ثلثمائه

تصویر ۳ / کتیبه ۲

بر کتیبه شماره ۲ آیات مبارکه «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ. إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (الشعراء/ ۸۷-۸۹) نگاشته شده است. از عبارات کتیبه پیدا است که فردی به نام «علی بن احمد بن علی» این کتیبه را نگاشته است. تاریخ حک شده بر این سنگ‌نوشته سال ۳۴۰ قمری را نشان می‌دهد. خط این کتیبه گرچه کوفی است اما از کهنگی خط کتیبه شماره ۱ فاصله گرفته است از این رو به کار بردن تعبیر «کوفی‌واره» در معرفی خط این کتیبه دقیق‌تر به نظر می‌رسد.

بسم الله الرحمن الرحيم  
 يوم لا ينفع مال و لا بنون  
 الا من اتى الله بقلب سليم و از  
 لفت الجنة للمتقين و برزت  
 الجحيم  
 [للاوين]  
 و كتب احمد بن محمد بن الحسين  
 لسنة احد خمسين و ثلثمائه  
 [...] [...]



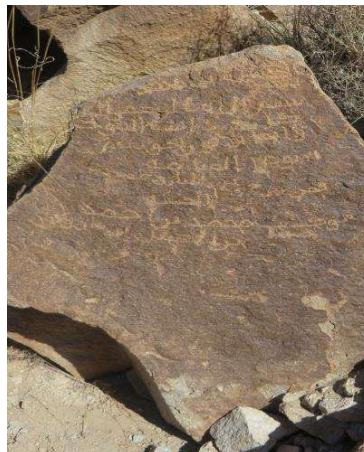
تصویر ۴ / کتیبه ۳

بر کتیبه شماره ۳ همانند کتیبه شماره ۲ آیات ۸۸ و ۸۹ سوره مبارکه شعراء کتابت شده است. اما افزون بر این دو آیه، آیات «وَأُزْلِفَتُ الْجَنَّةُ لِمُنْتَقِينَ. وَ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ» (الشعراء/ ۹۰-۹۱) که ادامه آیات قبل هستند نیز ذکر شده است. این کتیبه توسط فردی به نام «احمد بن محمد بن الحسين» در سال ۳۵۱ ق کتابت شده است.

نوع خط و سبک نگارش این کتیبه تفاوتی چندانی با کتیبه شماره ۲ ندارد. از نکات جالب توجه در این کتیبه می‌توان به نحوه کتابت واژه «ازلفت» اشاره داشت؛ چرا که کاتب قسمتی از این واژه را در سطر سوم و قسمتی دیگر را در سطر چهارم کتابت کرده است.

[...]

الحسین بن محمد  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 كل [نفس] ذائقه الموت  
 و انما توفون اجوركم  
 يوم القيامة فمن [زحزح] عن النار و  
 [ادخل] الجنة  
 و كتب محمد بن احمد  
 بن الحسين بن هارون



تصویر ۵ / کتیبه ۴

همچنین، شایان ذکر است که در این کتیبه عبارت «للاغویین» از آیه ۹۱ سوره مبارکه شعراء دیده نمی‌شود. در این باره می‌توان احتمال داد که چون کاتب به هنگام نگارش این عبارت به پایان سطر رسیده به دلیل کمبود جا از کتابت آن منصرف شده است و یا می‌توان بر آن بود که کاتب این عبارت را نیز نگاشته، اما به دلیل آنکه این عبارت در گوشه‌ی کتیبه جای گرفته، در دوره‌های بعد در معرض شکستگی بوده است.

در کتیبه شماره ۴، آثار جابه‌جا شدن از مکان اصلی و شکستن این سنگ‌نوشته به روشنی مشخص است و به همین دلیل آغاز مطالب این سنگ‌نوشته گویا نیست. نخستین کلماتی که در این سنگ‌نوشته قابل بازخوانی است، اسامی افراد می‌باشد که معمولاً در پایان یک نوشته می‌آید و این خود گواه بر آن است که مطالبی در قسمت بالاتر موجود بوده اما متأسفانه به دلیل ریزش کوه از میان رفته است. بر روی این سنگ‌نوشته قسمتی از آیه ۱۸۵ سوره مبارکه آل عمران عبارت «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ إِنَّمَا تُؤْفَوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ» نقش بسته و قسمت پایانی این آیه که عبارت «فَقَدْ فَازَ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» می‌باشد، کتابت نشده است. در هیچ قسمت از این سنگ‌نوشته به تاریخ کتابت آن اشاره‌ای نرفته است. نحوه ترسیم کلمات نشان می‌دهد که کاتب چندان خوش خط نبوده است.

بسم الله  
الرحمن الرحيم  
الملك لله يا الله  
كتب احمد يا الرحمن  
بن يوسف يا الرحيم  
يا حي  
يا قيوم  
يا ذ [ ا ] لجلال  
والاكرام



تصویر ۱۶ / کتیبه ۵

در کتیبه شماره ۵ پس از کتابت آیه شریفه‌ی «بسم الله الرحمن الرحيم»، بقیه عبارات کتیبه در دو ستون نگارش یافته است. در ستون سمت چپ عبارت «یا الله/ یا رحمن/ یا رحیم/ یا حی/ یا قیوم/ یا ذالجلال و الاکرام» کتابت شده و در ستون سمت راست عبارت «الملک لله» و نام کاتب که فردی به نام «احمد بن یوسف» می‌باشد، نقش بسته است. در این سنگ‌نوشته از تاریخ کتابت سخنی به میان نیامده است. خط این کتیبه از کهنگی خطوط کتیبه‌های پیشین برخوردار نیست و نمی‌توان آن را کتیبه‌ای به خط کوفی به حساب آورد. به عنوان نمونه نحوه نگارش حرف الف که در خط کوفی به صورت کج می‌باشد در این کتیبه دیگر به صورت کج دیده نمی‌شود.

کاتب در این سنگ‌نوشته یک اشتباه نحوی مرتکب شده و جمله «یا رحمن یا رحیم» را به صورت «یا الرحمن یا الرحیم» نگاشته است. بر این اساس قاعده‌ی منادی نکره مقصوده از قواعد نحو عربی را رعایت نکرده است؛ زیرا اعراب این قسم از منادی مبنی بر ضم و محلاً منصوب می‌باشد و نیازی به افزودن الف و لام وجود ندارد.

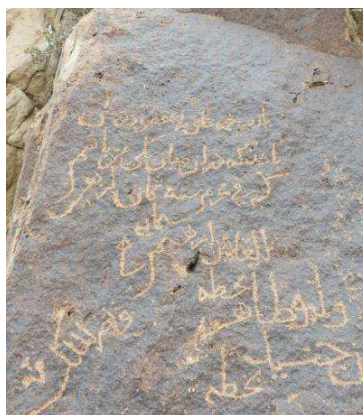
#### ب) سنگ‌نوشته‌های فارسی

بر روی کتیبه شماره ۶ یک شعر فارسی کتابت شده که از مضمونی عارفانه برخوردار است. تاریخ کتابت این سنگ‌نوشته محرم سال ۶۴۸ قمری می‌باشد و توسط افرادی به نام‌های «علاء بن ابراهیم»، «ابوطاهر بن جنید» و «نصر الملک» کتابت شده است. این کتیبه که به زبان

فارسی است از نظر خط با سایر کتیبه‌ها تفاوت دارد و خط به کار رفته در این کتیبه را می‌بایست خط نسخ در نظر بگیریم. از میان تمامی سنگ‌نوشته‌هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، این کتیبه تنها نمونه‌ای است که در آن نقطه گذاری به چشم می‌خورد.

در بین اسامی کاتبان این کتیبه نام «جنید» جالب توجه می‌نماید که پدر فردی به نام ابوطاهر بوده است. این نام یادآور جنید بغدادی عارف مشهور قرن سوم است که در منابع صوفیه از او با عناوینی چون «شیخ اصحاب»، «شیخ المشایخ»، «پیروقت» و «پیر طریقت» یاد شده است (عطار نیشابوری، ۲/ ۶). از این‌رو نام جنید نزد صوفیه پر اهمیت بوده و همواره این طایفه در نام‌گذاری افراد به این نام توجه داشته‌اند و به همین علت است عارفان بسیاری با نام جنید در اقصاء نقاط سرزمین‌های اسلامی زیسته‌اند.

یا رب همه خلق را به مقصود رسان  
باشد که در آن میانیکی من باشم  
کتبه فی محرم سنه ثمان اربع  
ستمایه  
العلاء بن ابر[ا]هیم [...]'<sup>۹</sup>  
بخطه  
و ابو طاهر  
بن جنید  
بخطه  
و نصر الملک



تصویر ۷/ کتیبه ۶

با وجود فحص فراوان در دواوین شعر فارسی سراینده‌ای برای این شعر فارسی یافت نشد. بنابراین می‌توان احتمال داد که صوفیان همین دیار سراینده‌ی این بیت بوده باشند. در این بیت سخن از مقصود در میان است که نزد عرفا به معنای وصال حق به کار می‌رود. توجه به ابیاتی از حافظ شیرازی کاربرد این واژه در این مفهوم را به خوبی نشان می‌دهد:

۹. در این قسمت از کتیبه گویا با یک علامت مواجهیم و کمتر شباهتی به نوشتار وجود دارد.

در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود  
 از گوشه‌ای برون آی، ای کوکب هدایت  
 و یا در بیت دیگری چنین سروده است:  
 روی مقصود که شاهان به دعا می‌طلبند  
 مظهرش آینه طلعت درویشان است.

در تصویر شماره ۸، عبارت «قطب کامل» بر قسمتی از کوه که خوشبختانه هنوز از مکان اصلی خود جدا نشده، کتابت شده است. گرچه این سنگ‌نوشته فاقد تاریخ است اما با توجه به اینکه هیچ یک از کتیبه‌های مؤرخ این ناحیه، تاریخی پس از سال ۶۴۸ را نشان نمی‌دهد، می‌توان بر آن بود که تاریخ کتابت این کتیبه نیز از این تاریخ تجاوز نمی‌کند. اینکه این سنگ‌نوشته همانند کتیبه‌های قبل از این تاریخ فاقد هر گونه نقطه‌گذاری است این احتمال را قوت می‌بخشد.



قطب کامل

تصویر ۸ / کتیبه ۷

قطب از مفاهیمی است که به صوفیه اختصاص دارد و اهل تصوف از عنوان قطب برای موسوم ساختن بالاترین طبقه‌ی اولیاء - از نظر مراتب تقرب به درگاه الهی - استفاده کرده‌اند. قدیم‌ترین منبع، در میان متون عرفانی فارسی، که از کلمه قطب برای نامیدن برترین طبقه اولیا

استفاده شده، کتاب شرح تعرف است. مستملی بخاری (د۴۳۴ق)، مؤلف کتاب در این باره چنین گفته است:

در اخبار آمده است که هیچ وقت این امت از چهارصد مرد ابدال خالی نباشد. در این چهارصد، چهل اوتاداند؛ یعنی میخ‌های زمین اند، چنانکه حق تعالی کوهها را میخ‌های زمین خواند و گفت: وَ الْجِبَالُ أوتاداً اگر کوهها نیستندی زمین را آرام نبودی، و اگر این اوتاد نیستندی، از شومی معصیت عاصیان عالم ویران گشتی. و از این چهل، چهار نقباند. و از این چهار، یکی قطب است. سلامت کافران در برکت مؤمنان است؛ و سلامت عامه مؤمنان در برکت ابدال است، و سلامت ابدال در برکت اوتاد است؛ و سلامت اوتاد در برکت نقبا است؛ و سلامت نقبا در برکت قطب است. چون قطب را وفات رسد، یکی را از نقبا به جای او رسانند. و چون یکی را از نقبا وفات آید، یکی را از اوتاد به جای او رسانند؛ و چون از اوتاد یکی را وفات رسد، یکی را از ابدال به جای او رسانند؛ و چون یکی را از ابدال وفات رسد از عامه نیک مردان یکی را به جای او رسانند. بدین معنی ودایع خدای‌اند در میانخلق، که خلق را به برکت ایشان نگاه می‌دارد (مستملی بخاری، ۱۳۶۳، ۱/۱۰).

همانطور که ملاحظه می‌شود، مستملی بخاری، طبقات اولیا را در چهار طبقه منحصر کرده و از آن‌ها با اسامی ابدال، اوتاد، نقباء و قطب یاد نموده است، که از این میانقطب از بالاترین جایگاه برخوردار است. از منظر اصطلاح شناسی صوفیه، ابن عربی قطب را چنین تعریف کرده است: «القطب هو و الغوث عبارة عن الواحد الذی هو موضع نظر الله تعالی من العالم، فی کل زمان. قطب یا غوث شخص واحدی را گویند که در هر زمان، موضع و جایگاه نظر خداوند متعال در عالم است» (ابن عربی، ۱۴۲۱ق، ۱/۵۵۵).

### ۳. مناسبت آیات نگارش یافته بر سنگ‌نوشته‌ها با کناره راه

با توجه به محل قرارگیری سنگ‌نوشته‌ها و متن کتیبه‌های شماره ۲ و ۳ و ۴ دانسته می‌شود که آیات ۸۸ تا ۸۹ سوره مبارکه شعراء و آیه ۱۸۵ سوره مبارکه آل عمران بر کناره یک راه باستانی در توران‌پشت نگارش یافته‌اند. اکنون جای این پرسش باقی است که نگارندگان این

کتیبه‌ها با چه منطق و مناسبتی از میان آیات قرآن کریم این آیات را به منظور نگارش انتخاب کرده‌اند؟

#### الف) تناسب نگارش آیات ۸۸ تا ۹۱ سوره مبارکه شعراء بر کناره راه

آیات «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ. إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ. وَ أُنزِلَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ. وَ بُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ» (الشعراء ۸۷-۹۱) آدمی را به سود نداشتن دنیا و مظاهر آن چون مال و فرزندان در روز قیامت متنبه می‌کند و تنها چیز ارزشمند در آن روز را قلب پاک و دلی پیراسته از هواهای نفسانی می‌داند.

اگر این آیات بر یک سنگ‌مزار کتابت شده بودند، هیچ‌گونه تعجبی وجود نداشت و مضمون آیات کاملاً با آن موقعیت در تناسب بود.<sup>۱۰</sup>

به نظر می‌رسد توجه به محتوای سایر سنگ‌نوشته‌ها در این ناحیه، پرتویی به درک تناسب نگارش این آیات بر کناره راه بیافکند. در برخی از سنگ‌نوشته‌های این ناحیه که به زبان فارسی نگارش یافته‌اند مفاهیمی به کار رفته که آشکارا از گرایش کاتبان آنها به تصوف خبر می‌دهد. در کتیبه شماره ۶ یک شعر عرفانی و در کتیبه شماره ۷ واژه قطب بر این مدعا رهنمون می‌باشند. البته این کتیبه‌های فارسی نسبت به کتیبه‌های قرآنی تاریخ متأخرتری را نشان می‌دهند اما اگر تصوف را ادامه‌ی زهدورزی قرون اولیه هجری بدانیم، می‌توان نگارش این آیات را نیز در چارچوب اندیشه‌های صوفیانه در نظر گرفت؛ چرا که در آیات ۸۸ تا ۹۱ سوره مبارکه شعراء مفهوم زهد بسیار برجسته است. پر واضح است که زهدورزی نسبت به دنیا و مظاهر آن نزد صوفیه بسیار مورد توجه بوده است. از این‌رو بسیاری از محققان عرصه‌ی عرفان، تصوف را بر آمده از خاکستر زهد در نظر داشته‌اند. پاکتچی در این‌باره می‌نویسد: «به عنوان واقعیتهای تاریخی باید اذعان داشت که تصوف در سده‌های نخستین هجری، چنان رابطه‌ی ناگسستنی با زهد و آموزش‌های اخلاقی داشته که اغلب جداسازی مباحث آن، امکان‌ناپذیر می‌نماید و از همین روست که تاریخ تصوف آغازین با تاریخ زهد و اخلاق همراه گشته است» (پاکتچی، ۱۳۹۲، ۱۵).

۱۰. جالب توجه آن است که این آیات حتی یک بار هم در کتیبه‌های مزار تاریخی توران‌پشت کتابت نشده‌اند.

نکته‌ی دیگری که در این آیات قابل توجه می‌باشد به کار رفتن عبارت «قلب سلیم» است که می‌توانسته نزد صوفیه مورد اعتنا واقع شود. از میان مفسران صوفی، تستری (۲۸۳ق) در تفسیر این آیات می‌نویسد: «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ یعنی کسی که از بدعت‌ها سالم مانده، آموزش را به خداوند تفویض کرده و به مقدرات الهی راضی باشد» (تستری، ۱۴۲۳ق، ۱۱). ابو عبدالرحمن سلمی (۴۱۲ق) در حقایق التفسیر در ذیل این آیات به ذکر اقوالی از ابن عطاء می‌پردازد و از جمله این سخن را از او نقل می‌کند: کسی که خداوند متعال را ملاقات می‌کند در حالی که جز خداوند هم دیگری ندارد همو صاحب قلب سلیم است (سلمی، ۱۳۶۹، ۱/۱۴۹). میبیدی در کشف الاسرار پس از اینکه نظر خود را درباره‌ی این آیه بیان می‌کند، از قول عارفی به نام جریر بغدادی در ذیل این آیه چنین نویسد: «دلها سه قسم است: قلب منیب، قلب شهید و قلب سلیم. قلب منیب آنست که گفت: مَنْ حَشَى الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ هر بنده‌ای که او ترسید و عیب خود دید و با مولای خود گردید دل وی منیب است، و قلب شهید آنست که گفت: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ . می‌گوید این بیغام که دادم و این در که گشادم یادگار اوست که دلی دارد زنده و گوش‌گشاده و آن دل مرا حاضر گشته، و قلب سلیم آنست که گفت: إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ طوبی او را که دلی دارد سلیم، از شک شسته و با مولی پیوسته و از دنیا و خلق آسوده و از غیر او رسته» (میبیدی، ۱۳۶۱، ۷/۱۲۸).

به غیر از تفاسیری که صوفیه نگاشته‌اند با مراجعه به سایر کتب ایشان نیز اهمیت مفهوم قلب نزد این طایفه دانسته می‌شود. مهم‌ترین دلیل بر این مدعا کتب بسیاری است که صوفیه تألیف کرده و به اثناء مختلف از واژه قلب در نامگذاری کتاب خود بهره جسته‌اند. کتاب‌هایی چون «نحو القلوب» اثر ابوالقاسم قشیری و یا «قوة القلوب فی معامله المحبوب» نوشته ابوطالب مکی نمونه‌هایی از این دسته‌اند.

از میان کتاب‌هایی که به توضیح اصطلاحات صوفیه پرداخته‌اند، سید شرف الدین جرجانی در التعریفات قلب را اینگونه تعریف کرده است: «القلب لطيفة ربانية لها بهذا القلب الجسماني الصنوبري الشكل المودع في الجانب الايسر من الصدر تعلق و تلك اللطيفة هي حقيقة الانسان و يسميها الحكيم النفس الناطقة و الروح باطنه و النفس الحيوانية مركبه و هي المدرك و العالم من الانسان و المخاطب و المطالب و المعاتب: قلب لطيفه‌ای ربانی است که به این قلب جسمانی



صنوبری شکل که در طرف چپ سینه قرار گرفته یک تعلق دارد و آن لطیفه حقیقت آدمی است و حکیم آن را نفس ناطقه نامد. روح، باطن آن باشد و نفس حیوانی مرگب آن. همان چیز از وجود آدمی که درک کننده و داننده است و مورد خطاب و طلب و عتاب واقع می‌شود» (جرجانی، ۱۳۷۰، ۱۷۷).

به کار رفتن واژه متقین در این آیات نیز می‌توانسته عاملی دیگر برای انتخاب این آیات از سوی افرادی صوفی مشرب بوده باشد. صوفیان نیز مانند سایر مکتب‌های فکری در جهان اسلام، عقاید خود را برگرفته از آیات قرآن کریم می‌دانند و واژه تقوا علاوه بر معنای لغوی خود، نزد صوفیان به عنوان یک اصطلاح نیز شناخته می‌شود. تقوی نزد اهل عرفان به دوری جستن از عقوبت خداوند به وسیله اطاعت او گفته می‌شود که عبارت باشد از صیانت نفس از انجام یا ترک کاری که مستحق عقاب باشد (جرجانی، ۱۳۷۰، ۲۹). بنابراین آیه‌ای که واژه تقوی و یا مشتقات آن را در خود جای دهد، می‌تواند نزد صوفیه مورد توجه قرار گیرد.

#### ب) تناسب نگارش آیه ۱۸۵ آل عمران بر کناره راه

آیه «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرْوَةِ» (آل عمران/۱۸۵) یادآور مرگ است و آدمیان را به این نکته متنبه می‌کند که هرکس طعم مرگ را خواهد چشید و پس از مرگ انسان‌های نیکوکار، مزد و اجر خود را از خداوند دریافت می‌کنند و به رستگاری نائل آیند و اشاره می‌کند که زندگی دنیوی برای آدمیان جز مایه فریب، چیز دیگری نیست.

اگر این آیه بر یک سنگ‌مزار کتابت شده بود - همانگونه که بارها بر سنگ‌مزارهای قبرستان تاریخی توران پشت کتابت شده است- درک مناسبت آن به سادگی قابل دریافت بود اما از کتابت آن بر سنگ‌نوشته‌ای در کنار راه، همانند آیات ۸۸ تا ۹۱ سوره شعراء مضمون زاهدانه‌ی آن را می‌بایست پراهمیت تلقی کرد. زهدی که همواره مشایخ صوفیه مشوق و مروج آن بوده‌اند. از میان عارفان مسلمان میبیدی در کشف الاسرار در ذیل این آیه می‌نویسد:

«ای خداوندی که بندگان همه فانی‌اند و تو باقی! ای خداوندی که رهگانت<sup>۱۱</sup> همه برسیدنی‌اند و تو بودنی! بودی تو و کس نبود! بمانی تو و کس نماند! همه مقهوراند و تو قهار! همه مأموراند و تو جبار! همه مصنوع‌اند تو کردگار! همه مردنی‌اند و تو زنده پاینده! همه رفتنی‌اند و تو خداوندی گماننده، و با همه تاونده.

ای قوم ازین سرای حوادث گذر کنید

خیزید و سوی عالم علوی سفر کنید

معاشر المسلمین! این سرای فانی منزل‌گاه است و گذرگاه! نگرید تا دل در آن نیندید، و آرام‌گاه نسازید، برید مرگ را به جان و دل استقبال کنید، و حیات آن جهانی و نعیم جاودانی طلب کنید، و ما هذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. تو امروز به چشم بیداری در کار و حال خود ننگری! و ساز رفتن به دست نیاری؟ تا آن ساعت که آب حسرت و دریغ، گرد دیده‌ات در آید! و غبار مرگ بر عذار مشکینت نشیند! و آن روی ارغوانی زعفرانی شود!

سر زلف عروسان را چو برگ نسترن یابی

رخ گلبرگ شاهان را چو شاخ زعفران بینی

(می بدی، ۱۳۶۱، ۲ / ۳۷۶)

از عبارات میبیدی پیدا است که او نیز به عنوان یک مفسر صوفی این آیه را در پرتو زهد در نظر داشته است، به گونه‌ای که در ذیل این آیه فرصت را مناسب دیده و مخاطبان خود را به زهد ورزیدن نسبت به دنیا توصیه می‌کند.

#### **پ) شواهدی از تصوف در توران‌پشت**

با تحلیل اطلاعاتی که از کتاب‌های تاریخی، کتیبه‌ها، سنگ قبرهای مزار تاریخی توران‌پشت و همچنین نام بناهایی که در توران‌پشت وجود دارد، می‌توان به این مطلب پی برد که

۱۱. یعنی سالکان و روندگان

در گذشته، متصوفه در توران‌پشت حضوری پر رنگ و چشم‌گیری داشته‌اند. نام‌های شیخ جنید و پیر مراد که بر دو بقعه از بقاع این آبادی اطلاق می‌شود هر یک معنای دینی خاصی را به ذهن شنونده متبادر می‌کنند. واژه‌های «شیخ» و «پیر» از واژگان بسیار رایج در فرهنگی صوفیانه محسوب می‌شوند؛ زیرا نخستین گام در عمل به تصوف، یافتن مرشد یا پیر یا شیخی است که دارای شرایط لازم باشد و پس از طی مراحل طریق بتواند دیگران را در این راه هدایت کند، چنان‌که در داستان قرآنی، خضر موسی(ع) را راهنمایی کرد (نصر، ۱۵/ ۴۰۰). از دیگر نشانه‌های تصوف در توران‌پشت، باقی ماندن تنها نامی بر مکانی در این آبادی به نام خانقاه است و عبارتی چون «هذا قبر الشيخ الزاهد الصالح» که مکرراً بر سنگ‌مزارهای قبرستان تاریخی توران‌پشت دیده می‌شود، را می‌توان مؤید دیگری بر این مدعا در نظر گرفت.

در این مقاله از فضل الله بن حسن تورانپشتی به عنوان یکی از عالمان این دیار سخن به میان‌آمد. از نکات قابل تأمل در آثار تورانپشتی گرایش به تصوف است. به عنوان نمونه این عبارت وی در کتاب المی سر در خور توجه است: «هذا تأویل سلکت فیه مسلک علمائنا من الصوفیه قدس الله ارواحهم: و این تأویلی است مطابق شیوه‌ی علمای صوفی ما که خداوند ارواحشان را پاک و مبارک گرداند» (تورانپشتی، ۲۰۱۰ق، المیسر، ۴ / ۱۲۳۵).

بر اساس گزارش جامع مفیدی که بین سال‌های ۱۰۸۲ تا ۱۰۹۰ تألیف یافته می‌توان بر آن بود که تصوف حداقل تا قرن یازدهم هجری در این دیار پابرجا بوده است. مستوفی باقی مشاهدات خود از توران‌پشت را این چنین به تحریر آورده است: «متوطنین آن قریه فردوس قرین به طاعات و عبادت شبانروزی راغب و به امر تجارت و عمارت روزگار می‌گذرانند» (مستوفی باقی، ۱۳۴۲، ۳ / ۳۹۸).

#### نتیجه

در این مقاله نمونه‌های کهنی از کتابت آیات قرآنی بر سنگ‌نوشته‌های توران‌پشت مورد بررسی قرار گرفت. تاریخ قدیم‌ترین کتیبه‌ی مورد بررسی در این مقاله سال ۲۴۵ قمری و تاریخ جدیدترین آن‌ها سال ۶۴۸ قمری را نشان می‌دهد. بررسی خطوط این کتیبه‌ها نشان می‌دهد که در نمونه‌های قدیم‌تر ویژگی‌های خط کوفی با دقت بیشتری رعایت شده و رفته رفته با گذر زمان، ویژگی‌های این نوع خط کمتر دیده می‌شود. به گونه‌ای که در کتیبه‌های متأخر دیگر هیچ نشانی از

خط کوفی به چشم نمی خورد. از سبک نگارش برخی کاتبان پیداست که ایشان در رسم الخط، شیوه رسم کلمات در مصحف شریف را پیروی کرده‌اند.

علاوه بر آیات قرآن کریم مضامین دیگری همچون اسماء الهی و شعر فارسی نیز بر این کتیبه‌ها نگارش یافته است. به طور کلی تحلیل‌های صورت گرفته در این نوشتار حاکی از آن است که نگارندگان این کتیبه‌ها در اندیشه‌ی خود به تصوف گرایش داشته‌اند و احتمالاً آیات قرآنی نگارش یافته بر این کتیبه‌ها با برداشت‌های صوفیانه عجین بوده‌اند.

#### منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

آل داوود، علی، «اتابکان فارس»، *تاریخ جامع ایران*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد نهم، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۴.

\_\_\_\_\_ «اتابکان یزد»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، جلد ششم، انتشارات دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۱.

آیتی، عبد الحسین، *تاریخ یزد*، یزد، چاپ خانه گل بهار، ۱۳۱۷.

ابن عربی، محیی الدین، *رسائل*، بیروت، دار المحجة البيضاء، ۱۴۲۱ق.

افشار، ایرج، *یادگارهای یزد*، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران.

\_\_\_\_\_ «سفرنامه تلگرافچی فرنگی» در فرهنگ ایران زمین، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۵.

بلر، شیلا، «کتیبه شناسی: کتیبه‌های اسلامی در ایران» ترجمه دلارام کاردار طهران، *چیدمان*، شم ۱۵، پاییز ۱۳۹۵.

پاکتچی، احمد، *جریان‌های تصوف در آسیای مرکزی*، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۹۲.

تستری، سهل بن عبدالله، *التفسیر*، به کوشش محمد باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۳ق.

توران‌پشتی، فضل الله بن حسن، *المعتمد فی المعتمد*، استانبول، مکتبه الحقیقة، ۲۰۱۰م.

- \_\_\_\_\_ *المیسر فی شرح مصابیح السنة*، به کوشش هنداوی، مکه، مکتبه نزار مصطفی، ۱۴۲۹ق.
- جامع الخیرات*، وقفنامهٔ رکن‌الدین حسینی یزدی، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۱.
- جرجانی، علی بن محمد، *التعریفات*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۰.
- حافظ شیرازی، محمد، *دیوان غزلیات*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۷۳.
- دهقانیان نصرآبادی، کاظم، *سیمای تفت*، یزد، اندیشمندان یزد، ۱۳۸۷.
- ذهبی، محمد بن احمد، *سیر اعلام النبلاء*، دار الحدیث، قاهره، ۱۴۲۷ق.
- رشید الدین فضل‌الله همدانی، *وقفنامهٔ ربیع رشیدی*، به کوشش مجتبی می‌نوی و ایرج افشار، تهران، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶.
- سلمی، محمد بن حسین، *مجموعهٔ آثار*، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۹.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد، *مجمع الانساب*، به تصحیح میرهاشم محدث، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- عالم زاده، بزرگ، *حرم رضوی به روایت تاریخ*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
- عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، *تذکرة الاولیاء*، به تصحیح احمد آرام، تهران، گنجینه، ۱۳۸۸.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان یزد*، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۱.
- قوچانی، عبدالله، *بررسی کتیبه‌های بناهای یزد*، تهران، پژوهشکده زبان و گویش با همکاری اداره کل امور فرهنگی، ۱۳۸۳.
- کاتب یزدی، احمد بن حسین، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- کریمیان، لیلی، «تورانپشتی، فضل‌الله بن حسن»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۳.
- مستملی بخاری، اسماعیل، *شرح التعرف لمذهب التصوف*، به تحقیق و تصحیح محمد روشن، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳.

مستوفی بافتی، محمد مفید بن محمود، *جامع مفیدی*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۴۲.  
میبدی، احمد بن محمد، *کشف الاسرار وعده الابرار*، به تصحیح علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر،  
۱۳۶۱.

میرحسینی، محمد حسن، *نکته‌یابی از وقفنامه جامع‌الخیرات*، مجله فرهنگ، زمستان ۱۳۸۴.  
نصر، حسین، «تصوف»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر محمد کاظم بروجردی، جلد  
پانزدهم، تهران، انتشارات دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۵.

نطنزی، معین‌الدین، *منتخب التواریخ*، به اهتمام پروین استخری، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳.  
ویت، گاستون، «کتیبه‌های عربی در ایران»، ترجمه محمد رضا ریاضی، *سیری در هنر ایران از  
دوران پیش از تاریخ تا امروز*، به کوشش سیروس پرهام، ج ۴، شرکت انتشارات علمی فرهنگی،  
تهران، ۱۳۸۷.